

# رزق حلال

[ عبادت هفتاد جزء است و بالاترین و بزرگترین جزء آن کسب حلال است  
و حق فرزند بر پدرش این است که جزاً راه حلال، روزی او را تامین نکند. ]

## راه های به دست آوردن رزق حلال



به دیدار خوشبازدانت  
برو خوش اخلاق باش



سرع خیز باش چراکه مایه  
برکت است



خمس مالات را بدنه و  
احسان و نیکوکاری کن  
قائمه باش و خانواده ات را  
به قناعت تشویق کن



تلاش حداکثری متوكله و  
صبورانه داشته باش  
به رازیخت خدا اعتقاد  
داشته باش



روشن کردن دل  
عبدات جواری، دل را نورانی کند به طریق نهادن  
اما لقمه حلال، دل را نورانی کند به طریق نهادن  
دازو بر موقعیت بیماری و این مؤثرتر باشد.

## آثار رزق حلال



**استجابت دعا**  
امام صادق(ع): هر کس شاد من شود که  
دعایش به اجات بررس، ایله طعام و کسب  
خود را حلال و پاکیزه کند.



**پیرهیکار کردن انسان**  
هر کس چهل روز، خوارک حلال بخورد،  
خداآوند او را پاپرسی در دنیا  
فرارداده.»



**جازی کردن حکمت**  
پیامبر اکرم(ص): «هر کس چهل روز خوارک حلال  
بخورد، خداوند قلش را بروانی کند و چشم  
سازهای حکمت را از دل بر زبانش جاری سازد»



عبدات جواری، دل را نورانی کند به طریق نهادن  
اما لقمه حلال، دل را نورانی کند به طریق نهادن  
دازو بر موقعیت بیماری و این مؤثرتر باشد.

## آثار اسوه حرام خواری

**تأثیر منفی در نسل**  
مال حرام در فرزندان اشکار  
می شود و اینها اثر  
من کنار

**قساوت قلب**  
امام حسین(ع) به عمر سعد: جون  
شکمکهای شما از حرام پر شده است،  
حرفهای من در شما اثر نمی کنار

**عدم استجابت دعا**  
پیامبر اکرم(ص): کس که نقهه  
حرام بخورد، تا چهل روز مزار و  
دعا شنیدن قبول نمی شود

**عدم پذیرش عبادات**  
پیامبر اکرم(ص): هر کس مال حرامی  
بخورد، خداوند هیچ عمل واجب با  
مستحبین از او را نمی پذیرد

**بی برکتی اموال**  
مال حرام رشد نمی کند و زیاد نمی  
شود و اگر هم رشد کند، برکت  
نخواهد داشت

## اقسام رزق



**رزق موعود**  
رزق خاصی است که خداوند صالحان و  
عبدان را به آن وعده داده است



**رزق مملوک**  
رزقی است که در ملکت شخص  
درآمده است



**رزق مقسوم**  
در لوح محافظ نوشته شده است و در ازال  
تقسیم شده



**رزق مضمون**  
به اندازه مورد نیاز انسان از طرف خداوند  
ضيقات نهاده است



## داستان امیر المؤمنین(ع) و دو درهم

حضرت علی(ع) روزی نزدیک در مسجد از استر پیاده شد و آن را به شخص سربر و وارد پنبد. غلام بیزار آمد و همان لجام را در دست یک نفر دید. معلوم شد که دند آن را به مسجد شد. آن شخص لجام را بیرون آورد و فرار کرد. امیر المؤمنین(ع) در حالی که دو درهم به آن شخص فروخته و وقته است. غلام این مطلب را به آن حضرت گزارش داد. دزه را در دست داشت تا مزد اسراق لجام را بدهد از مسجد خارج شد. دید مرکب بدون امیر المؤمنین(ع) فرمود: چون این نیست که به سبب صیر نکردن و شتاب زکی رزق حلال چام است. حضرت بر استر سوار شد و دزه را به غلام داد تا بپر آن مرکب لجام را بر خود حرام می کند؛ در حالی که بیش از آنجه مقتدرش بوده به دست نمی اورده.